

A Pathological Analysis of the Publications of the Islamic Sciences and Culture Academy Based on the Information Management Lifecycle*



Ehsan Rahimi¹ 

Mansour Babaei-Zadeh² 

1. Faculty Member, Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA), Qom, Iran.

e.rahimi@isca.ac.ir

2. Information Specialist, Research Center for Islamic Information and Documents Management, Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA), Qom, Iran (**Corresponding Author**).

Babaei53@gmail.com

Abstract

The representation and retrieval of information in Islamic studies, particularly within academic and research institutions that produce a large volume of scholarly works, has become a fundamental issue in knowledge management. As one of Iran's leading institutions for the production of Islamic scholarship, the Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA) plays a significant role in the creation, organization, and dissemination of academic knowledge. Nevertheless, an examination of its information management processes reveals a structural disconnect between content production and the subsequent stages of organization, indexing, retrieval, and dissemination. This study aims to identify and analyze the shortcomings in the representation of

* Rahimi, E. & Babaeizadeh, M. (2025). A pathological analysis of the publications of the Islamic Sciences and Culture Academy based on the information management lifecycle. *Islamic Knowledge Management*, 6(2), pp. 7–31.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.75045.1115>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2024/07/17 • **Revised:** 2024/08/17 • **Accepted:** 2024/08/19 • **Published online:** 2025/03/10

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



Islamic knowledge, with particular emphasis on the publications of ISCA, and to propose practical strategies for improvement. The research adopts a mixed-methods approach. Data were collected through documentary analysis, the author's professional observations and experience in information management, and interviews with subject-matter experts. The analytical framework is based on the concept of the Islamic information management lifecycle, together with internationally recognized principles and standards for knowledge organization. The findings indicate that the principal challenges include fragmentation across the information lifecycle—from content creation to dissemination—cultural and attitudinal barriers, the prioritization of knowledge production over information management, technological and infrastructural deficiencies, insufficient consideration of information management requirements at the initial stages of the research process, weaknesses in standardization and the absence of a shared metadata framework, as well as inadequate dissemination resulting in the isolation and underutilization of scholarly knowledge. Based on these findings, the study recommends making an information management plan a mandatory component of all research projects and scholarly publications, and proposes the establishment of a national network for the production and dissemination of Islamic content.

Keywords

information retrieval, knowledge representation, information dissemination, information management, Islamic Sciences and Culture Academy (ISCA).



تحديد الضعف والقصور في منشورات المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية بناءً على دورة إدارة المعلومات*

إحسان رحيمي^١ منصور بابايي زاده^٢

١. عضو الهيئة العلمية في المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

e.rahimi@isca.ac.ir

٢. باحث في معهد إدارة المعلومات والوثائق الإسلامية، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران (المؤلف المسؤول).

Babaei53@gmail.com

الملخص

أصبح تمثيل المعلومات واسترجاعها في العلوم الإسلامية، ولا سيما في المراكز العلمية البحثية التي تنتج أعمالاً علمية وافرة، إحدى القضايا الأساسية في إدارة المعرفة. يضطلع المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، بصفته إحدى المؤسسات الرئيسية المنتجة للمعرفة الدينية في إيران، بدور مهم في إنتاج وتنظيم ونشر الأعمال العلمية. ومع ذلك، فإن دراسة العمليات المتعلقة بإدارة المعلومات في هذه المؤسسة تُظهر وجود فجوة هيكلية بين إنتاج المحتوى من جهة، وتنظيمه وفهرسته واسترجاعه ونشره من جهة أخرى. أُجريت هذه الدراسة بهدف تشخيص قصورات تمثيل العلوم الإسلامية مع التركيز على أعمال المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، وتقديم حلول إصلاحية، وذلك باستخدام منهجية

* الاستشهاد بهذه المقالة: رحيمي، إحسان؛ بابايي زاده، منصور. (٢٠٢٥). تحديد الضعف والقصور في منشورات المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية بناءً على دورة إدارة المعلومات. إدارة المعرفة الإسلامية، ٦(٢)، صص ٧-٣١.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.75045.1115>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/٠٧/١٧ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٨/١٧ • تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٨/١٩ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٣/١٠

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights

ترکیبیه. تمّ جمع بيانات البحث من خلال دراسة الوثائق والسجلات العلمية، والملاحظة والخبرة الشخصية للباحث في مجال إدارة المعلومات، والمقابلات مع الخبراء. ويعتمد الإطار التحليلي للبحث على مفهوم دورة إدارة المعلومات في العلوم الإسلامية، وكذلك مبادئ المعايير الخاصة بتنظيم المعرفة. وأظهرت النتائج أن أبرز مواطن الخلل تتمثل في: انقطاع دورة حياة المعلومات منذ مرحلة الإنتاج وحتى مرحلة النشر والإتاحة، والتحديات الثقافية والفكرية، وتغليب عملية الإنتاج على إدارة المعلومات، والقصور في البنية التحتية والتقنيات الداعمة، وإهمال متطلبات إدارة المعلومات في المراحل الأولى من دورة الإنتاج العلمي، وضعف توحيد المعايير، وغياب لغة معيارية مشتركة للبيانات الوصفية (Metadata)، فضلاً عن محدودية نشر المعرفة واحتجازها داخل المؤسسة. وبناءً على هذه النتائج، توصي الدراسة بإلزام جميع المشروعات والنتائج البحثية بإعداد ملحق لإدارة المعلومات ضمن مراحل تنفيذها، والعمل على تصميم شبكة وطنية متكاملة لإنتاج المحتوى الإسلامي وتنظيمه وتوزيعه وإتاحته.

الكلمات المفتاحية

استرجاع المعلومات، تمثيل المعلومات، نشر المعلومات، إدارة المعلومات، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية.



آسیب‌شناسی انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مبثنی بر چرخه مدیریت اطلاعات*



منصور بابایی‌زاده^۱

احسان رحیمی^۲

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

e.rahimi@isca.ac.ir

۲. کارشناس پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Babaei53@gmail.com

چکیده

بازنمایی و بازیابی اطلاعات در علوم اسلامی، بویژه در مراکز علمی-پژوهشی‌ای که تولید انبوه آثار علمی دارند، به یکی از مسائل بنیادین مدیریت دانش تبدیل شده است. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به عنوان یکی از نهادهای اصلی تولید دانش دینی در ایران، نقشی مهم در تولید، سازماندهی و اشاعه آثار علمی دارد؛ با این حال، بررسی فرایندهای مرتبط با مدیریت اطلاعات در این مجموعه نشان می‌دهد که میان تولید محتوا و سازماندهی، نمایه‌سازی، بازیابی و اشاعه آن نوعی گسست ساختاری وجود دارد. این مقاله با هدف آسیب‌شناسی بازنمایی علوم اسلامی با تأکید بر آثار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و ارائه راهکارهای اصلاحی، با رویکردی ترکیبی انجام شده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسناد و مدارک علمی، مشاهده و تجربه نگارنده در حوزه مدیریت اطلاعات، و مصاحبه با خبرگان گردآوری شده و چارچوب تحلیلی پژوهش بر مفهوم

* **استناد به این مقاله:** رحیمی، احسان؛ بابایی‌زاده، منصور. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مبتنی بر چرخه مدیریت اطلاعات. مدیریت دانش اسلامی، ۶(۲)، صص ۷-۳۱.

<https://doi.org/10.22081/jikm.2026.75045.1115>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

© ۱۴۰۳ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



چرخه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی و نیز اصول استانداردهای سازماندهی دانش مبتنی است. یافته‌ها نشان می‌دهد مهمترین آسیب‌ها عبارت‌اند از گسست در چرخه حیات اطلاعات (از تولید تا اشاعه)؛ چالش‌های فرهنگی و نگرشی، اولویت «تولید» بر «مدیریت»، خلاءهای فناورانه و زیرساختی، غفلت از ملاحظات مدیریت اطلاعات در ابتدای چرخه، ضعف در استانداردسازی و فقدان زبان مشترک فراداده‌ای و اشاعه ناکافی و حبس دانش. براساس یافته‌ها، راهکار الزام پیوست مدیریت اطلاعات برای همه طرح‌ها و آثار پژوهشی و طراحی شبکه‌ای ملی برای تولید و توزیع محتوای اسلامی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها

بازیابی، بازنمایی، اشاعه، مدیریت اطلاعات، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقدمه

در عصر انفجار اطلاعات، ارزش واقعی تولیدات علمی نه فقط در غنای محتوایی آنها، بلکه در قابلیت دسترسی، بازیابی و اشاعه مؤثر آنها نهفته است. به همین خاطر در هر نظام دانشی، ارزش تولید علم تنها به خلق محتوا محدود نمی‌شود؛ بلکه به میزان قابلیت دسترس‌پذیری، سازمان‌یافتگی، بازیابی‌پذیری و قابلیت استفاده مجدد آن نیز وابسته است. از این منظر، دانش اگرچه در مرحله تولید شکل می‌گیرد، اما در مرحله بازنمایی و سازماندهی است که می‌تواند به چرخه حیات علمی وارد شود و در خدمت پژوهشگران، طلاب، استادان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. علوم اسلامی، به عنوان یک حوزه دانشی گسترده و ریشه‌دار، با تولید حجم عظیمی از آثار پژوهشی توسط مراکز علمی متعدد روبروست و این مسئله از اهمیت دوچندان برخوردار است؛ زیرا حجم گسترده‌ای از آثار، متون و پژوهش‌ها در موضوعات قرآنی، حدیثی، فقهی، کلامی، فلسفی، اخلاقی و تاریخ اسلام تولید می‌شود، اما در بسیاری از موارد، این تولیدات از انسجام اطلاعاتی کافی برخوردار نیستند و به سختی قابل بازیابی‌اند. از این رو، صرف تولید حجم انبوهی از آثار پژوهشی، ضامن تحقق اهداف کلان علمی و فرهنگی نیست. اثربخشی واقعی این تولیدات زمانی محقق می‌شود که محصولات علمی بتوانند به درستی در چرخه دانش جریان یافته، توسط مخاطبان و پژوهشگران دیگر کشف، بازیابی و مورد استفاده قرار گیرند. این فرآیند، که از آن با عنوان «مدیریت اطلاعات و دانش» یاد می‌شود، حلقه‌ای حیاتی میان تولید و مصرف دانش است که متأسفانه گاهی مورد غفلت واقع می‌شود (زندی روان و همکاران، ۱۳۹۵).

در چنین شرایطی، بازنمایی اطلاعات به عنوان فرایند تبدیل محتوا به صورت‌هایی قابل جست‌وجو و قابل بازیابی، نقشی اساسی در مدیریت دانش دارد. ابزارهایی مانند طبقه‌بندی، نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی، فهرست‌نویسی، واژگان کنترل‌شده و اصطلاح‌نامه‌ها از مهمترین سازوکارهای بازنمایی به شمار می‌روند. در ادبیات علم اطلاعات، این ابزارها فقط ابزارهای فنی نیستند، بلکه سازوکارهایی راهبردی‌اند که میان تولید محتوا و بهره‌برداری از آن پیوند برقرار می‌کنند.

تولید علم و اندیشه در حوزه علوم اسلامی همواره یکی از دغدغه‌های اصلی مراکز علمی و حوزوی در ایران بوده است. در این میان، «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» به عنوان یکی از بازوهای تولید محتوای پژوهشی دینی در کشور، نقش بسزایی در تولید و نشر آثار مرتبط با این حوزه ایفا می‌کند. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به عنوان یکی از مهمترین مراکز تولید آثار علمی در حوزه علوم اسلامی، از نظر حجم تولیدات، تنوع موضوعی و نقش راهبردی در پشتیبانی علمی از مطالعات اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. با وجود این حجم تولید، مسئله مهم آن است که آیا این آثار به صورت استاندارد توصیف، نمایه و اشاعه می‌شوند؟

مسئله اصلی که این پژوهش به آن می‌پردازد، کیفیت «بازنمایی» اطلاعات و دانش تولید شده در این چرخه است. شواهد موجود نشان می‌دهد که بخشی از مسئله در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نه کمبود تولید، بلکه ضعف در مدیریت چرخه اطلاعات است. بازنمایی ضعیف اطلاعات، همچون کالایی با بسته‌بندی نامناسب، ارزش محتوای درونی را پنهان کرده و مانع از دیده شدن و استفاده مؤثر از آن می‌شود. به بیان دیگر، اگرچه آثار علمی متعددی تولید می‌شود، اما هم‌زمان ملاحظات مربوط به سازماندهی، استانداردسازی، نمایه‌سازی، اشاعه و استفاده‌پذیری آنها به صورت یکپارچه در فرآیند پژوهش نهادینه نشده است.

این آسیب بویژه در عصر دیجیتال که رقابت برای جلب توجه مخاطب بشدت افزایش یافته، می‌تواند منجر به انزوای علمی و هدررفت سرمایه‌های مادی و معنوی شود. وقتی یک اثر پژوهشی فاقد فراداده‌های استاندارد، کلیدواژه‌های دقیق، چکیده ساختارمند و مدیریت استنادی صحیح باشد، در عمل از دسترس موتورهای جستجوی علمی و پایگاه‌های اطلاعاتی دور می‌ماند و شانس استناد گرفتن و تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهد. این پژوهش مدعی است که بسیاری از آثار تولید شده در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، علی‌رغم غنای محتوایی، با این چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و این امر، ضرورت یک آسیب‌شناسی جدی از منظر مدیریت اطلاعات را آشکار می‌سازد.

ضرورت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که در عصر انفجار اطلاعات، تولید بدون سازماندهی برابر با انباشت خام اطلاعات است. در علوم اسلامی نیز اگر منابع به‌درستی نمایه‌سازی نشوند، اصطلاحات به‌طور یکدست کنترل نشوند، فراداده‌ها استاندارد نباشند و اشاعه خروجی‌ها به شکل سیستمی صورت نگیرد، نتیجه چیزی جز حبس دانش نخواهد بود. حبس دانش یعنی آنکه دانش تولید می‌شود اما در عمل در شبکه علمی و اجتماعی توزیع نمی‌شود و امکان بهره‌برداری گسترده از آن کاهش می‌یابد.

اهمیت این تحقیق نیز از چند جنبه قابل بررسی است. نخست، با شناسایی دقیق آسیب‌ها، می‌توان از هدررفت منابع عظیمی که صرف تولید پژوهش می‌شود، جلوگیری کرد. دوم، با ارائه راهکارهای عملیاتی مانند «پیوست مدیریت اطلاعات»، می‌توان کیفیت آثار را در سطح استانداردهای بین‌المللی ارتقا داد و زمینه حضور پررنگ‌تر آنها را در عرصه‌های جهانی فراهم کرد. سوم، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک الگوی راهنما برای سایر مراکز علمی و پژوهشی که با چالش‌های مشابهی روبرو هستند، مورد استفاده قرار گیرد.

از این رو، ضرورت دارد که مدیریت اطلاعات نه به‌عنوان مرحله‌ای جانبی، بلکه به‌صورت پیوست ضروری برای طرح‌های پژوهشی دیده شود. این نگاه، مستلزم آن است که از ابتدای تعریف مسئله تا انتشار نهایی اثر، فرایندهای نمایه‌سازی، توصیف، کنترل واژگان و اشاعه به‌طور برنامه‌ریزی‌شده در نظر گرفته شوند. در نتیجه، پژوهش حاضر می‌کوشد نشان دهد که چرا و چگونه بازنمایی علوم اسلامی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی نیازمند اصلاح ساختاری است و چه راهکارهایی می‌تواند این وضعیت را بهبود بخشد.

هدف این مقاله اولاً، شناسایی آسیب‌های تولید و بازنمایی علوم اسلامی در آثار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی از منظر مدیریت اطلاعات؛ ثانیاً، تحلیل نقاط ضعف فرایند تولید تا اشاعه دانش؛ ثالثاً، ارائه راهکارهای عملی برای تقویت بازنمایی، بازیابی و اشاعه آثار علمی و رابعاً، پیشنهاد الگویی برای نهادهای ساز پیوست مدیریت اطلاعات در طرح‌ها و آثار پژوهشی می‌باشد.

ادبیات و پیشینه موضوع

دانش (علم)

«علم» از منظر لغت به معنای دانستن است. و از دیدگاه فلسفی و دینی به معنای یقین و اطمینان نیز به کار رفته و در متون علمی و آموزشی به عنوان مجموعه‌ای از دانش‌های منظم و سازمان‌یافته با موضوعی خاص استفاده شده است. می‌توان گفت علم مجموعه‌ای از آگاهی‌های قابل اتکا است که از نگاه منطقی و عقلانی قابلیت توضیح را دارند. آموزه‌های اسلامی علم را نوری معرفی می‌کند که خاصیت روشنگری دارد (غازی اصفهانی، ۱۴۰۰).

عمده مباحث پیرامون مفهوم علم و دانش ذیل دو برداشت قابل طبقه‌بندی هستند: علم به معنای تک گزاره‌های معرفتی و علم به مثابه مجموعه‌ای از گزاره‌ها پیرامون یک موضوع. بسیاری از مباحث پیرامون علم نظیر نقش تجربه در مرزبندی گزاره‌های علمی و غیرعلمی، کاشفیت یا ابزارای بودن ماهیت علم، نسبت علم با ارزش‌ها و از این قبیل، نخست در مورد تک گزاره‌های معرفتی مطرح می‌شود و آنگاه در مورد رشته‌های علمی به بحث گذاشته می‌شود. لذا در علم شناسی ضرورت دارد نخست مفهوم علم به منزله یک گزاره بررسی شود و سپس به عنوان یک رشته علمی مورد بحث قرار گیرد (یعقوب‌نژاد، ۱۴۰۰).

مدیریت اطلاعات

پژوهشی که به درستی بازنمایی نشود، در عمل «نامرئی» است و در اقیانوس اطلاعات گم خواهد شد (بورگمن^۱، ۲۰۱۵م). مدیریت اطلاعات^۲ به مفهوم سازماندهی و کنترل ساختار، ترکیب، پردازش و ارائه اطلاعات است. مدیریت اطلاعات از بدو تولید علم و نشر آن در غالب جوامع انسانی دایر و برقرار بوده و همگان از علوم و معارف موجود (از جمله علوم اسلامی) به نحو دلخواه استفاده می‌کردند و از این‌رو

1. Borgman

2. Information management (IM)

مدیریت اطلاعات از گذشته مطرح بوده و بسیاری از دانشمندان برای فهرست‌نویسی یا به نحوی نمایه‌سازی به روش سنتی تلاش می‌کردند، البته تولید و نشر اطلاعات در گذشته محدود به نشر مکتوب بود و نیازمندان اطلاعات اندک و محصور در علما و دانشمندان بودند؛ ولی در عصر اطلاعات و فناوری، تحول عظیمی در تولید اطلاعات به‌صورت کاغذی و الکترونیکی به وجود آمده و کثرت تولید و نشر را غیر قابل تصور رسانده است و کاربرد اطلاعات نیز با بهره‌گیری از امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیار زیاد و فراگیر شده‌اند. دسترسی خیل عظیم کاربران به اطلاعات حجیم ذخیره شده در منابع فیزیکی و الکترونیکی بسیار مشکل شده است و از این‌روست که مدیریت اطلاعات اهمیت یافته است (جوردی و تیلور، ۱۴۰۲).

مدیریت اطلاعات همچون یک چرخه است که فرایند مدیریت داده از زمان تولید تا حذف احتمالی آن را شامل می‌شود. از دید ذخیره‌سازی، این فرایند شامل جابه‌جایی داده‌ها از طریق انواع مختلف رسانه‌های ذخیره‌سازی است تا سازمان‌ها را به‌منظور به‌کارگیری بهترین شیوه ذخیره‌سازی قادر سازد. از طرفی مدیریت جامع چرخه اطلاعات شامل یک سری از فرایندهای پیچیده‌ای است که انواع گوناگون اطلاعات را جمع‌آوری و مصرف آن را امکان‌پذیر و تسهیل می‌کند، و افراد داخل و خارج سازمان را که باید به اطلاعات دسترسی داشته باشند، به هم متصل می‌کند و به نوعی باعث یکپارچگی و اتحاد می‌شود (جوردی و تیلور، ۱۴۰۲). فرایند مدیریت اطلاعات شامل سه مرحله است:

الف) **تدوین سازمان‌های دانش** که به تولید اصطلاح‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های هر حوزه دانشی با استفاده از منابع مرجع و دست‌اول آن دانش و دیگر منابع می‌پردازد. در این مرحله ابزار مناسب به‌دست می‌آید و اگر نیاز به ابزار تخصصی باشد باید آن را تولید کرد مثل تولید اصطلاح‌نامه‌های علوم اسلامی برای بازنمایی علوم اسلامی. اصطلاح‌نامه^۱ مجموعه‌ای از اصطلاحات استاندارد شده در یک حوزه معرفتی است

1. thesaurus

که میان آنها روابط معنایی، رده‌ای، سلسله مراتبی و وابستگی برقرار است و در حقیقت کلیدواژه‌های نظام دار هستند که این توانایی را دارد که موضوعات آن رشته را به‌طور نظام یافته به‌منظور ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات و یا مقاصد پژوهشی ارائه نماید. می‌توان گفت اصطلاح‌نامه مجموعه‌ای از واژگان کنترل شده است که ابزاری کلیدی برای فرایند سازماندهی دانش و بازیابی اطلاعات است و نقش مهمی در ذخیره‌سازی نظام‌مند دارد و همچنین به واسطه فراهم سازی نقشه معناشناسی یک رشته باعث درک کلی موضوعات یک حوزه دانشی می‌شود (یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۵).

ب) **سازماندهی اطلاعات و مدارک** که شامل مراحل مأخذشناسی، فهرست‌نویسی موضوعی منابع معتبر در حوزه خاص و منابع مورد نیاز سازمان، نمایه‌سازی منابع با استفاده از اصطلاح‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها است. منابع نمایه شده شامل منابع دست اول و مرجع حوزه خاص برای مورد استفاده محققین و یا منابعی که محققان تولید کرده‌اند (مثل نمایه پایان کتاب) باشد.

ج) **اشاعه اطلاعات** که این بخش مکمل چرخه مدیریت اطلاعات است و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی و بازخوردگیری در این مرحله انجام می‌گیرد. اشاعه اطلاعات^۱ فرآیندی است که به‌منظور توزیع اطلاعات به مخاطبان مورد نظر به‌صورت موثر و به‌موقع انجام می‌پذیرد. این مفهوم در بخش‌های مختلف از جمله آموزش، بهداشت و درمان، تجارت و دولت بسیار با اهمیت و کاربردی است زیرا با انجام صحیح این کار، افراد و گروه‌های مختلف اطلاعات درست را در زمان مناسب دریافت کنند. در عصر دیجیتال کنونی، روش‌های اشاعه اطلاعات به‌طور چشمگیری تکامل یافته‌اند و با استفاده از فناوری، دامنه تأثیر خود را افزایش داده‌اند (ترنج، ۱۹۹۷م).

بازیابی اطلاعات

بازیابی اطلاعات یعنی یافتن اطلاعات مرتبط با نیاز کاربر از میان منابع ذخیره‌شده.

-
1. Information Dissemination
 2. Trench

همچنین بازیابی اطلاعات در برخی منابع به معنای ذخیره و بازیابی داده‌ها نیز به کار گرفته شده است به معنای دیگر، دانش شناخت رسانه‌های ذخیره‌سازی فیزیکی است. می‌توان گفت فعالیت‌هایی که برای تحلیل و سازماندهی مدارک و منابع انجام می‌گیرد «ذخیره اطلاعات» و تلاش‌هایی که برای یافتن منابع از میان انبوهی از مدارک ذخیره شده انجام می‌شود «بازیابی اطلاعات» نام دارد. نحوه ذخیره‌سازی ارتباط مستقیم با بازیابی اطلاعات دارد. نظام‌هایی وجود دارد که ذخیره‌سازی و بازیابی در بستر آنها انجام می‌شود که به آنها «نظام‌های ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات» گفته می‌شود. بازیابی اطلاعات پل میان ذخیره‌سازی و اشاعه است (خالویی، ۱۴۰۴).

بازنمایی اطلاعات

بازنمایی اطلاعات فرایندی است که طی آن ابزارهایی ساخته می‌شود که تعیین می‌کنند اطلاعات چگونه توصیف شوند مثل تعیین واژگان کنترل‌شده، طراحی نظام رده‌بندی و تعریف روابط مفهومی. تدوین سازمان‌های دانش زیرساخت نظری بازنمایی اطلاعات است. بدون این مرحله، بازنمایی استاندارد و یکدست امکان‌پذیر نیست. همچنین از آنجا که بازنمایی به معنای تبدیل محتوای یک منبع به توصیف ساخت یافته برای ذخیره و بازیابی اطلاعات است؛ بنابراین ابزار اجرایی سازماندهی اطلاعات به شمار می‌رود. در نتیجه می‌توان گفت بازنمایی اطلاعات حلقه اتصال میان «تدوین سازمان‌های دانش» و «سازماندهی اطلاعات» است.

بازنمایی اطلاعات شامل هر فعالیتی که بتواند محتوای مدارک و منابع را به صورتی ساده و قابل درک استخراج، کند اطلاق می‌شود. و این یک مفهوم نسبتاً جدید برای فعالیت‌های قدیمی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. بازنمایی ممکن است کاربرد ذخیره‌سازی (بازنمایی قبل از ذخیره‌سازی) و بازنمایی برای جستجو (برای مرحله بعد از ذخیره‌سازی) داشته باشد. یعنی بازنمایی هم برای مرحله ذخیره‌سازی و هم برای بازیابی کاربرد دارد. که شامل استخراج بعضی مولفه‌ها (مثل کلید واژه‌ها یا عبارات و نمایه‌ها) از مدرک یا تخصیص اصطلاحات (مثل توصیفگرها یا سرعنوان‌های

موضوعی) با مدرکی است که بتوان ماهیت آن را توصیف یا بازنمون کرد. این کار از طریق ترکیب یکی از روش‌های چکیده‌نویسی، نمایه‌سازی، طبقه‌بندی و خلاصه‌سازی انجام شود (حاجی زین العابدینی، ۱۴۰۳).

پژوهش‌های معدودی در موضوع بازیابی و بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی در دسترس انجام شده است. شریف و فتحیان (۱۴۰۳) در کتاب خود با عنوان «جستاری نظری در سازماندهی و بازنمایی اطلاعات و دانش» مبحث سازماندهی و بازنمایی دانش را از جنبه‌های نظری بررسی کرده و چارچوب نظری نظام‌های سازماندهی و بازنمایی دانش را در ساختاری سه سطحی شامل ساختار زبانی، شبکه معنایی و نظام مفهومی مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این اثر اشاره‌ای به بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی و الزامات آن نشده و به اشکالات موجود پرداخته نشده و طبیعتاً راهکاری هم برای آن داده نشده است.

حاجی‌زین‌العابدینی (۱۴۰۳) در کتاب «روش‌های بازنمایی اطلاعات»، رشد گسترده روش‌های بازنمایی اطلاعات، به‌منظور دستیابی به اطلاعات مبتنی بر نیاز (بازیابی) را بیان کرده است. در آخرین کتاب فصل، با عنوان هوش مصنوعی در بازنمایی و بازیابی اطلاعات، به موضوعی پیشرو به منزله یکی از امیدبخش‌ترین راه حل‌های بشر برای مدیریت جهان و اطلاعات در آینده یعنی هوش مصنوعی توجه شده است. وب معنایی، نمایه‌سازی هوشمند اشاره شده است. این کتاب به خوبی زوایا و ملزومات بازنمایی اطلاعات را بررسی کرده است ولی فرایند بازنمایی را مشخص نکرده و نیز آسیب شناسی بازیابی را بیان نکرده و همچنین اشاعه اطلاعات را مورد بررسی قرار داده است و به تبع راهکاری هم مشخص نشده است.

واردی (۱۴۰۲) در کتاب «بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی؛ اصول، روش‌ها و رویکردها» مباحث بازیابی اطلاعات را تشریح کرده و به مباحث اساسی اصول، روش‌ها و رویکردهای نمایه‌سازی پرداخته است.

اگرچه در عنوان کتاب، «بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی» انتخاب شده است، ولی کلیات مباحث آن اختصاص به علوم و معارف اسلامی ندارد و بیشتر در صدد تبیین

مفاهیم، اصول، رویکردها و روش‌های نمایه‌سازی از جهت تئوری و چگونگی بومی سازی و تحقق بخشی آنها در مقام عمل روی منابع و موضوعات علوم اسلامی است که نسبت به سایر منابع علوم انسانی و علوم تجربی الزامات و اقتضائات ویژه خود را دارند. شمس و ابراهیم‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان روش‌های بازنمایی دانش، مروری مختصر بر روش‌های موجود و شناخته شده در بازنمایی دانش نموده و به بیان نقاط ضعف و قوت هر یک از روش‌های بازنمایی پرداخته‌اند اما به چرخه کامل مدیریت اطلاعات اشاره‌ای نکرده‌اند در حالی که بازنمایی یکی از بخش‌های فرایند مدیریت اطلاعات است و علوم اسلامی با ویژگی‌های خاص خود به یک فرایند بومی نیاز دارد.

خاصه و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش دیگری به بررسی علم‌سنجی مقالات حوزه بازیابی اطلاعات ایران، نمایه شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام از ابتدای طرح موضوع در مقالات فارسی تا سال ۱۳۹۸ پرداخته‌اند. این تحقیق نیز در مورد روش‌ها و تاریخچه بازیابی اطلاعات و همچنین فرایند کامل مدیریت اطلاعات بحثی به میان نیاورده و بالتبع مسائل و راهکاری هم برای مشکلات بیان نکرده است؛ بلکه بیشتر به علم سنجی آماری از پژوهش‌هایی درباره مدیریت و بازیابی اطلاعات پرداخته است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع ترکیبی است و در آن از منابع مختلف جمع آوری داده، بهره گرفته شده است. از یک سو از طریق مطالعه اسناد و مدارک علمی، اسناد مرتبط با آثار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مبانی نظری بازنمایی اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای و متون تخصصی مدیریت اطلاعات بررسی شده‌اند. هدف از این مرحله، شناسایی الگوهای موجود در تولید، توصیف و اشاعه دانش بوده است. از سوی دیگر، بخش مهمی از تحلیل این پژوهش بر تجربه عملی نگارنده در حوزه مدیریت اطلاعات و مشاهده فرایندهای سازماندهی منابع استوار است. این مشاهد‌ها به درک دقیق‌تر از فاصله میان تولید محتوا و سازوکارهای اطلاعاتی کمک کرده‌اند. همچنین برای تکمیل

تحلیل، با خبرگان حوزه علم اطلاعات، کتابداری، مدیریت دانش و پژوهشگران آشنا با ساختار پژوهشگاه گفت‌وگو شده است. مصاحبه‌ها از نوع نیمه‌ساختاریافته بوده و با هدف استخراج آسیب‌ها و پیشنهادهای اصلاحی انجام شده‌اند.

تحلیل داده‌ها متناسب با ماهیت ترکیبی پژوهش انجام شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی با استفاده از روش تحلیل مضمون تحلیل شد. داده‌های گردآوری شده از بررسی اسناد و آثار، به‌صورت توصیفی و تحلیلی برای شناسایی الگوهای تکرارشونده در آسیب‌ها (مثلاً درصد آثار فاقد کلیدواژه استاندارد) و همچنین برای مقایسه وضعیت موجود با استانداردهای علمی مطلوب مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت، یافته‌های حاصل از هر دو بخش کیفی و اسنادی با یکدیگر تلفیق شدند تا روایی و پایایی نتایج افزایش یافته و تصویری کامل و قابل دفاع از وضعیت موجود و راهکارهای برون‌رفت از آن ارائه شود.

تحلیل یافته‌ها

چارچوب تحلیلی پژوهش بر مبنای چرخه مدیریت اطلاعات علوم اسلامی تنظیم شده است؛ چرخه‌ای که مراحل آن شامل تولید یا خلق دانش، توصیف و ثبت اطلاعات، نمایه‌سازی و کنترل واژگان، ذخیره‌سازی و سازماندهی، بازیابی، اشاعه، استفاده و بازخورد. این چرخه نشان می‌دهد که هر اختلال در یک مرحله، بر کیفیت کل نظام اثر می‌گذارد؛ بنابراین، اگر در آغاز فرایند، ملاحظات اطلاعاتی لحاظ نشود، در انتهای زنجیره نیز اشکال‌های جدی در بازیابی و بهره‌برداری به وجود می‌آید.

۱. گسست در چرخه حیات اطلاعات (از تولید تا اشاعه)

مهمترین یافته پژوهش آن است که در تولید آثار علمی، یکپارچگی میان مراحل مختلف چرخه اطلاعات وجود ندارد. به عبارت دیگر، طراحی پژوهش، تولید محتوا، مستندسازی، نمایه‌سازی، اشاعه و بازخورد اغلب به‌صورت منفصل عمل می‌کنند. در چنین وضعیتی، هر بخش براساس منطق خود پیش می‌رود و هیچ سازوکار الزام‌آوری

برای اتصال این بخش‌ها وجود ندارد. این مسئله در عمل سبب می‌شود که یک اثر علمی، هرچند از نظر محتوایی ارزشمند باشد، اما از نظر اطلاعاتی ضعیف ظاهر شود؛ یعنی عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها، طبقه‌بندی موضوعی و فراداده‌های آن به گونه‌ای نباشد که بازیابی دقیق و سریع را ممکن سازد.

۲. چالش‌های فرهنگی و نگرشی؛ اولویت «تولید» بر «مدیریت»

یکی از ریشه‌ای‌ترین آسیب‌های شناسایی شده، فرهنگ سازمانی حاکم بر پژوهشگاه است که در آن، «کمیت تولید» و «چاپ اثر» بر «کیفیت بازنمایی و مدیریت» آن ارجحیت دارد. موفقیت مدیران و پژوهشگران عمدتاً با تعداد آثار منتشر شده سنجیده می‌شود، نه با میزان رؤیت‌پذیری، استناد یا تأثیرگذاری آنها. این نگرش باعث شده است که مدیریت اطلاعات یک امر حاشیه‌ای، پرهزینه و وقت‌گیر تلقی شود. نگاه مدیران این است که کتاب چاپ شود و در آمار بیاید. اینکه این کتاب بعداً در گوگل اسکالر پیدا می‌شود یا نه، دغدغه اصلی نیست. تا این نگاه تغییر نکند، هر ابزار و استاندارد هم که بیاوریم، در عمل اجرا نخواهد شد. این فرهنگ باعث می‌شود پژوهشگران نیز انگیزه‌ای برای صرف وقت جهت استانداردسازی اطلاعات اثر خود نداشته باشند و آن را وظیفه دیگران بدانند.

۳. خلاءهای فناورانه و زیرساختی

اگرچه پژوهشگاه از سامانه‌های مختلفی برای مدیریت پژوهش و نشر استفاده می‌کند، اما این سامانه‌ها به صورت یکپارچه عمل نمی‌کنند و فاقد ابزارهای لازم برای پیاده‌سازی استانداردهای نوین مدیریت اطلاعات هستند. برای مثال، زیرساختی برای تخصیص شناسگرهای دیجیتال استاندارد^۱ برای آثار یا کد اُرکید^۲ برای پژوهشگران به صورت نظام‌مند وجود ندارد. این خلاء فناورانه، اتصال تولیدات علمی پژوهشگاه به

1. Digital Object Identifier(DOI)

2. Open Researcher and Contributor ID(ORCID)

شبکه‌های علمی جهانی را عملاً غیرممکن ساخته و آثار را در یک اکوسیستم بسته و ایزوله نگه می‌دارد.

۴. غفلت از ملاحظات مدیریت اطلاعات در ابتدای چرخه

یافته دیگر نشان می‌دهد که سازمان‌های دانش و ابزارهای استاندارد در ابتدای فرایند پژوهش به درستی مورد توجه قرار نمی‌گیرند. در بسیاری از طرح‌ها، پژوهش از مرحله تولید محتوای علمی آغاز می‌شود، اما از همان ابتدا برای نحوه ذخیره‌سازی، توصیف، نمایه‌سازی و اشاعه نهایی برنامه‌ریزی نمی‌شود. این غفلت باعث می‌شود که در پایان کار، هزینه‌های اصلاح و بازآرایی اطلاعاتی افزایش یابد. درحالی‌که اگر در ابتدای پژوهش، زبان کنترل‌شده، اصطلاح‌نامه، ساختار فراداده و الزامات اشاعه تعریف شود، کیفیت خروجی به مراتب بالاتر خواهد بود.

۵. ضعف در استانداردسازی و فقدان زبان مشترک فراداده‌ای

یکی از پرتکرارترین نکات در مصاحبه‌ها و مشهودترین یافته‌ها در بررسی آثار، فقدان یک استاندارد یکپارچه برای توصیف و بازنمایی اطلاعات بود. این ضعف در چند حوزه خود را نشان می‌دهد:

کلیدواژگان غیرتخصصی و سلیقه‌ای: بررسی آثار نشان داد که در بسیاری از موارد، کلیدواژه‌ها نه براساس یک اصطلاح‌نامه یا واژگان کنترل‌شده، بلکه براساس برداشت شخصی نویسنده انتخاب شده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان (مدیر پژوهشی) بیان داشت: «ما هیچ ابزار یا الزامی برای انتخاب کلیدواژه استاندارد نداریم. نویسنده چند کلمه که به نظرش مهم است را می‌نویسد و همین برای ما کافی است. درنتیجه، ممکن است ده کتاب با موضوع مشابه، ده دسته کلیدواژه کاملاً متفاوت داشته باشند.» این امر عملاً امکان خوشه‌بندی موضوعی و بازبینی جامع آثار مرتبط با یک حوزه خاص را از بین می‌برد.

چکیده‌نویسی غیرساختارمند: چکیده‌ها به‌عنوان ویتترین یک اثر، فاقد ساختار

استاندارد (شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری) هستند. این مسئله باعث می‌شود مخاطب نتواند در کوتاه‌ترین زمان به درک درستی از محتوای اثر دست یابد و موتورهای جستجو نیز در نمایه‌سازی و رتبه‌بندی آن دچار مشکل شوند.

۶. اشاعه ناکافی و حبس دانش

یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از آثار پژوهشی، با وجود ارزش علمی، به شکل محدود در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرند. این مسئله به «حبس دانش» می‌انجامد؛ یعنی دانشی که تولید شده، در چرخه انتشار عمومی، کتابخانه‌ای، دیجیتال و شبکه‌ای قرار نگرفته است. حبس دانش می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد همچون نبود برنامه اشاعه از آغاز پروژه؛ ضعف در تولید فراداده و استانداردسازی؛ نبود سازوکار مناسب برای انتشار چندسطحی و در نهایت، محدود بودن تعامل میان پژوهشگر، کتابدار، متخصص اطلاع‌رسانی و مدیر پروژه. و مهمتر از همه نگاه تجاری و انحصار طلبانه به دانش تولید شده به عنوان سرمایه سازمانی که مانع از اشتراک گذاری متن در وب سرویس‌های جهانی و در معرض استفاده قرار دادن آن برای عموم.

پیشنهاد ۱: تدوین پیوست مدیریت اطلاعات^۱

راهکار بنیادین پیشنهادی در این پژوهش، الزام پیوست مدیریت اطلاعات برای همه آثار و طرح‌های پژوهشی است. این پیوست باید مشخص کند که اثر از ابتدا چگونه توصیف، طبقه‌بندی، نمایه، ذخیره و اشاعه خواهد شد. چنین پیوستی می‌تواند شامل مواردی همچون واژگان کنترل‌شده و کلیدواژه‌های استاندارد؛ ساختار فراداده؛ شیوه ارجاع و استناد؛ نوع و سطح دسترس‌پذیری اثر؛ برنامه اشاعه دیجیتال و فیزیکی و سیاست‌های بایگانی و نگهداری باشد. بر این اساس، پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، می‌تواند نقش محوری در اصلاح

1. Information Management Appendix

وضعیت موجود داشته باشد. این نقش می‌تواند شامل طراحی و به‌روزرسانی اصطلاح‌نامه‌های تخصصی؛ تدوین استانداردهای نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی؛ مشاوره اطلاعاتی برای طرح‌های پژوهشی؛ تربیت نیروی متخصص در مدیریت دانش اسلامی و ایجاد سازوکارهای یکپارچه برای اشاعه آثار باشد.

اجزای اصلی مدل پیشنهادی «پیوست مدیریت اطلاعات» به شرح زیر است:
اطلاعات کتابشناختی^۱ پایه شامل عنوان دقیق (فارسی و انگلیسی)، اطلاعات کامل نویسندگان (نام، نام خانوادگی، کد آرکید، ایمیل سازمانی، وابستگی سازمانی استاندارد شده)

چکیده ساختارمند^۲ شامل چکیده فارسی و انگلیسی در قالب بخش‌های مجزا: هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری. این ساختار، فهم سریع محتوا و نمایه‌سازی ماشینی را تسهیل می‌کند.

کلیدواژه‌گان استاندارد^۳: الزام نویسنده به انتخاب ۵ تا ۷ کلیدواژه از یک اصطلاح‌نامه معتبر و مشخص (مانند اصطلاح‌نامه علوم اسلامی). این بخش می‌تواند به یک سامانه آنلاین برای پیشنهاد و اعتبارسنجی کلیدواژه متصل شود.

مدیریت استنادی^۴: الزام نویسنده به ارائه فهرست کامل منابع مورد استفاده در یک فرمت استاندارد^۵؛ مهمتر از آن، ارائه فایل خروجی منابع از یکی از نرم‌افزارهای مدیریت استناد^۶. این کار، ضمن تضمین استاندارد بودن، امکان تحلیل‌های علم‌سنجی و ایجاد شبکه‌های استنادی را فراهم می‌کند.

شناسگرهای دیجیتال^۷: اختصاص یک بخش مشخص برای ثبت شناسگرهای

1. Basic Bibliographic Information

2. Structured Abstract

3. Standardized Keywords

4. Citation Management

۵. مانند: APA

۶. مانند: EndNote یا Zotero

7. Digital Identifiers

منحصربه‌فردی که در آینده به اثر تعلق خواهد گرفت^۱ تا فرآیند آن از همان ابتدا در چرخه نشر دیده شود.

اظهارنامه داده^۲: بخشی که در آن نویسنده مشخص می‌کند آیا پژوهش او دارای داده‌های خام (مانند داده‌های پرسش‌نامه، صوت مصاحبه‌ها و غیره) است یا خیر و در صورت وجود، وضعیت دسترسی به این داده‌ها چگونه است. این امر گامی به سوی حرکت به سمت علم باز^۳ است.

مزایای پیاده‌سازی این مدل عبارتند از:

- انتقال مسئولیت و افزایش دقت: با تکمیل این پیوست توسط نویسنده که بیشترین تسلط را بر محتوای اثر دارد، دقت و کیفیت فراداده‌ها بشدت افزایش می‌یابد.
- استانداردسازی در مبدأ: بجای تلاش برای اصلاح و استانداردسازی اطلاعات ناقص در انتهای چرخه نشر، این کار از همان ابتدا و به‌صورت یکپارچه انجام می‌شود.
- تسهیل و خودکارسازی فرآیندها: اطلاعات ساختاریافته موجود در این پیوست می‌تواند به‌صورت خودکار به سامانه‌های نشر، وب‌سایت پژوهشگاه و پایگاه‌های اطلاعاتی منتقل شود و خطای انسانی را کاهش دهد.
- افزایش رؤیت‌پذیری و تأثیرگذاری: آثار دارای فراداده استاندارد و کامل، شانس بسیار بیشتری برای کشف شدن توسط موتورهای جستجو و پژوهشگران در سراسر جهان دارند که این امر به افزایش استنادات و تأثیرگذاری علمی منجر می‌شود.
- فرهنگ‌سازی: الزامی شدن این پیوست، بتدریج فرهنگ «توجه به مدیریت اطلاعات» را به‌عنوان بخشی از وظایف اصلی یک پژوهشگر در سازمان نهادینه می‌کند.

۱. مانند: DOI

2. Data Statement

3. Open Science

پیاده‌سازی این مدل نیازمند تدوین شیوه‌نامه‌های اجرایی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای پژوهشگران و همچنین ایجاد زیرساخت‌های فناورانه لازم برای پشتیبانی از آن است، اما به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری استراتژیک، می‌تواند به‌طور بنیادین کیفیت و اثربخشی تولیدات علمی پژوهشگاه را متحول سازد. در مرحله تکمیلی این پیشنهاد و پس از آنکه در پژوهشگاه به‌صورت موفقیت‌آمیز محقق شد، پیشنهادهای راهبردی پژوهش، شکل‌دهی به نوعی نهضت ملی محتوا است؛ یعنی همکاری شبکه‌ای میان پژوهشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز داده، ناشران و سامانه‌های اطلاعاتی برای گردآوری، استانداردسازی، انتشار و دسترس‌پذیر کردن محتواهای اسلامی. این امر می‌تواند از پراکندگی منابع بکاهد و دسترسی پژوهشگران را افزایش دهد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی فرآیند بازنمایی علوم اسلامی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و ارائه راهکاری عملی برای بهبود آن شکل گرفت. یافته‌های حاصل از رویکرد ترکیبی این تحقیق نشان داد که علی‌رغم تلاش‌های گسترده برای تولید محتوای علمی، چالش‌های بنیادینی در چرخه مدیریت و بازنمایی اطلاعات وجود دارد که اثربخشی این تولیدات را بشدت محدود می‌کند.

نتایج نشان داد که چهار دسته آسیب اصلی شامل گسست در چرخه حیات اطلاعات (از تولید تا اشاعه)؛ چالش‌های فرهنگی و نگرشی؛ اولویت «تولید» بر «مدیریت»؛ خلاءهای فناورانه و زیرساختی؛ غفلت از ملاحظات مدیریت اطلاعات در ابتدای چرخه؛ ضعف در استانداردسازی و فقدان زبان مشترک فراداده‌ای و اشاعه ناکافی و حبس دانش، در کنار یکدیگر سیستمی ناکارآمد را ایجاد کرده‌اند که در آن، بسیاری از آثار علمی ارزشمند، به‌دلیل بازنمایی ضعیف، در عمل «نامرئی» باقی می‌مانند و بنابراین آثار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی علی‌رغم آنکه از نظر محتوایی ظرفیت بالایی دارند بخشی از ظرفیت علمی آنها بلااستفاده می‌ماند.

راهکار محوری این پژوهش، یعنی مدل «پیوست مدیریت اطلاعات»، تلاشی برای

رفع این آسیب‌ها از طریق یک مداخله ساختاری و فرآیندی است. این مدل با انتقال مسئولیت تولید فراداده‌های استاندارد به مبدأ، یعنی پژوهشگر، و با الزامی کردن ارائه اطلاعات ساختاریافته، در پی حل مشکل در ریشه آن است. این پیوست صرفاً یک فرم اداری نیست، بلکه ابزاری برای فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن این تفکر است که «مدیریت اطلاعات»، بخشی جدایی‌ناپذیر از خود «فرآیند پژوهش» است. پیاده‌سازی این مدل می‌تواند پژوهشگاه را در مسیر استقرار نظام‌های نوین مدیریت اطلاعات پژوهشی (CRIS)، که در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند، قرار دهد و زمینه را برای افزایش چشمگیر رؤیت‌پذیری، دسترس‌پذیری و در نهایت تأثیرگذاری علمی آثار فراهم آورد.

این پژوهش در سطح نظری بر اهمیت پیوند میان دو حوزه «مطالعات اسلامی» و «مدیریت اطلاعات» تأکید کرده و نشان داد که چگونه ابزارهای علم اطلاعات می‌تواند به افزایش ضریب نفوذ و کارایی علوم انسانی و اسلامی کمک کند. همچنین در سطح سازمانی این پژوهش یک نقشه راه عملی برای مدیران پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و سایر مراکز مشابه جهت بازنگری در فرآیندهای نشر و مدیریت دانش ارائه داد.

این تحقیق به صورت مطالعه موردی در یک سازمان انجام شده است و تعمیم قطعی یافته‌های آن به سایر مراکز نیازمند احتیاط است. همچنین، مدل «پیوست مدیریت اطلاعات» به صورت نظری طراحی شده و اثربخشی واقعی آن منوط به پیاده‌سازی و ارزیابی در عمل است. از این رو، پیشنهاد می‌شود:

- پژوهشی از نوع «اقدام‌پژوهی» برای پیاده‌سازی آزمایشی مدل پیوست مدیریت اطلاعات در یکی از پژوهشکده‌ها و ارزیابی نتایج آن انجام شود.
- مطالعه‌ای تطبیقی میان مراکز مختلف پژوهشی در حوزه علوم اسلامی برای بررسی میزان شیوع آسیب‌های شناسایی شده در این پژوهش صورت گیرد.
- ابزارها و سامانه‌های نرم‌افزاری برای تسهیل فرآیند تکمیل و پردازش خودکار «پیوست مدیریت اطلاعات» طراحی و توسعه یابد.

در نهایت، می‌توان گفت که مدیریت اطلاعات، نه یک فعالیت جانبی، بلکه شرط تحقق اثرگذاری علمی در علوم اسلامی است. هر قدر سازماندهی و بازنمایی منابع دقیق‌تر باشد، بازیابی، اشاعه و بهره‌گیری از آنها نیز مؤثرتر خواهد بود؛ از این‌رو، توجه به مدیریت اطلاعات می‌تواند به کاهش حبس دانش و افزایش بهره‌وری علمی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بینجامد. بنابراین گذار از پارادایم «تولید صرف» به پارادایم «تولید و مدیریت هوشمند دانش»، یک ضرورت انکارناپذیر برای مراکز علمی در عصر حاضر است. امید است که یافته‌ها و راهکار ارائه‌شده در این مقاله، گامی مؤثر در جهت تحقق این گذار در حوزه علوم اسلامی باشد.

منابع

- جودری، دانیل؛ تیلور، آرلین. (۱۴۰۲). سازماندهی اطلاعات (مترجم: فریده عصاره، نرگس خانی، سارا دخش و زهرا نعمت‌اللهی). تهران: سپهر دانش.
- حاجی زین العابدینی، محسن. (۱۴۰۳). روش‌های بازنمایی اطلاعات. تهران: سمت.
- خالوئی، مرضیه. (۱۳۸۶). مروری بر مدل‌های بازیابی اطلاعات. پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۲۲(۳)، صص ۵۵-۷۰.
- زندى روان، نرگس؛ داورپناه، محمدرضا؛ فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۹۵). مروری بر رسم نقشه علم و روش‌شناسی آن. پژوهش‌نامه علم سنجی، ۲(۱)، صص ۵۷-۷۶.
- غازی اصفهانی، مریم. (۱۴۰۰). تطورات معنای علم از دیدگاه چالمرز و نقد آن (باتکیه بر آرای حمید پارسانیا). علم و تمدن در اسلام، ۲(۸)، صص ۱۵۰-۱۲۷.
- واردی، تقی. (۱۴۰۲). بازنمایی اطلاعات علوم اسلامی؛ اصول، روش‌ها و رویکردها. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- یعقوب‌نژاد محمدهادی. (۱۳۷۵). درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- یعقوب‌نژاد، محمدهادی. (۱۴۰۰). مدیریت دانش، چستی و چرایی. مدیریت دانش اسلامی، ۳(۱)، صص ۸-۲۸.
- Trench, Stella. (1997). Dissemination of Information. in *Handbook of Special Librarianship and Information Work*. London: Aslib, 285- 299